

عنوان

آسیب شناسی عدم محبت به فرزندان

نجمه ادیبی لاریجانی^۱

۱۳۹۸

^۱ سطح دو، مدرسه علمیه حضرت آمنه (سلام الله علیها)، anvarishayan@gmail.com

چکیده

از راه های جلوگیری از آسیب های عدم محبت به فرزندان شناخت علل این آسیب ها، عوارض و مشکلاتی است که در زمینه های مختلف برای فرزندان ایجاد می شود. هدف این مقاله بررسی تأثیر خانواده ها در تربیت کودکان و نقش آن ها در محبت به فرزندان و پیشگیری از عدم محبت و عوارض ناشی از آن می باشد. در این زمینه به نقش خانواده در محبت به فرزند و توصیه به محبت در تربیت فرزند در اسلام و علم روانشناسی پرداخته شده است. در برخی از یافته های این بررسی بر محبت در تمام مراحل رشد خصوصاً کودکی تأکید شده و محبت به عنوان عامل رشد عاطفی و عزت نفس فرزندان بیان شده و عدم محبت عامل مشکلات جسمی، روانی، اجتماعی و کاهش عزت نفس مطرح شده است.

والدینی که خود رشد عاطفی مناسبی داشته و بینشان صمیمیت، علاقه و محبت بوده، فرزندانشان را با روش صحیح تربیت کرده و این فرزندان در زمینه های تحصیلی، اخلاقی، رفتاری آسیب ندیدند و به راه های پیشگیری از ایجاد چنین آسیب هایی پرداخته شده.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، عدم محبت، خانواده.

مقدمه

اهمیت و ضرورت تربیت آدمی بر هیچکس پوشیده نیست. نخستین و مهم ترین دوران تربیت در کودکی می باشد به همین دلیل است که در اسلام توصیه های متعددی در زمینه تربیت فرزند صورت گرفته است. یکی از موارد مهم در تربیت کودک، مسأله تربیت عاطفی و محبت به فرزندان می باشد. دلیل اهمیت زیاد تربیت فرزند و نقش محبت در زمینه سازی تربیت در اسلام به این امر تأکید فراوان شده و پاداش های بی شماری برای محبت به فرزند مطرح شده است که در این باره آیات و روایات متعددی وجود دارد. با توجه به توصیه های صورت گرفته در مورد محبت به فرزند، سؤال اصلی این است که عدم محبت به فرزند سبب به وجود آمدن چه آسیب هایی می گردد و راه های پیشگیری از این آسیب ها چیست؟

عدم محبت از طرف خانواده ها موضوع مهمی است که ذهن روانشناسان و مسئولان تربیتی را به خود مشغول کرده است زیرا خانواده یکی از مهم ترین و اصلی ترین کانون تأمین این نیاز و از عوامل تأثیرگذار محیطی در تربیت فرزندان می باشد و تعالی خانواده، تکامل انسان موحد را به همراه دارد، بنابر این ایجاد خانواده ای که کانون محبت بوده و آگاه به روش های صحیح تربیتی باشد بسیار اثرگذار است.

در دنیای کنونی که هجمه های شدیدی علیه کانون خانواده در جهت فروپاشی این کانون حیاتی صورت می گیرد و همچنین انحرافات که در جنبه های مختلف در تمام سنین در فرزندان به چشم می خورد، مسئولین تربیتی را برای مقابله با این هجمه ها برانگیخته است.

کتاب ها و مقالات تربیتی متعددی در زمینه محبت در تربیت فرزند نگاشته شده است از جمله مقاله "بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و اختلال های عاطفی رفتاری جوانان" توسط خانم ها مریم وفایی و مریم روشن نوشته شده است ولی این مقاله به صورت وسیع تر و کاربردی به بررسی جایگاه و اهمیت خانواده، اهمیت محبت از نظر اسلام و از نظر روانشناسان، رعایت اعتدال در تمام زمینه های تربیتی و محبت و ایجاد عزت نفس و عوارض ناشی از عدم محبت در جنبه های جسمی، روانی، رفتار و اخلاق، عاطفی، اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، آسیب های اجتماعی مانند بزهکاری پرداخته است و در پایان، راه های پیشگیری مانند اصلاح کانون خانواده از طریق اصلاح روابط زوجین آموزش روش های صحیح تربیتی به والدین و معرفی بهترین روش تربیتی براساس مبانی اسلام و روانشناسی مطرح شده است.

جایگاه فرزند در اسلام

پیامبر بزرگوار اسلام به ابن عباس فرمود: ای ابن عباس خانه ای که در آن کودکی نباشد خیر و برکت ندارد.^۱ همچنین سکونی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین روایت می کند: مهر ورزیدن به فرزندان راه دستیابی به درجات بهشت است.^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: فرزندان خود را ببوسید زیرا هر بوسه ای که به فرزندان می زنید یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است.^۳

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که فرزند عطیه و موهبتی الهی است و نعمتی است که خود، منشأ نعمت های بی شمار دیگر است. وجود فرزند در خانه فضای آن را از خیر و برکت و مهر و مودت لبریز می کند. رابطه معنوی و الهی والدین و فرزندان، هر دو را از نعمت ها و رحمت های واسعه ربوبی بهره مند می گرداند. داشتن فرزند صالح آرزویی است که حتی پیران کهنسال فاقد فرزند هم آن را در سر می پروراند همچنان که حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سن ۹۰ سالگی از خدای متعال طلب فرزند نمود و دعایش به استجاب رسید، آری فرزند پاره تن والدین و گلی از گلهای بهشت است که در خانه آن ها روئیده مایه بخشودگی در درگاه الهی و مفتوح ماندن نامه اعمال نیک و سبب برداشته شدن عذاب های برزخی از آن ها در عالم قبر است، با چنین نگرشی به فرزندان چگونه می توان نسبت به شخصیت و نیازهای آن ها و تربیت و شکوفایی استعدادهایشان غفلت و کوتاهی و سستی و سهل انگاری نمود؟

روایات گذشته پدران و مادران را بر آن می دارد که در باب پرورش فرزند احساس وظیفه کنند، وظیفه ای سنگین و مسئولیتی بزرگ که هرگز نمی توان آن را نادیده گرفت و نسبت به آن کوتاهی نمود.^۴

در حقیقت این والدین هستند که با تربیت صحیح شالوده زندگی بچه هایشان را بنا می نهند و سرنوشت آنان را رقم می زنند. اهتمام و عنایت هر چه بیشتر والدین به امور فرزندان آثار سودمند و

^۱ کنز الامال، جلد ۱۶، ص ۲۸۱.

^۲ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

^۳ مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

^۴ محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۴.

پربرکتی در زندگی دنیا و سرنوشت اخروی هر دو پدید خواهد آورد و کوتاهی در آن آثار تباہ کننده ای در پی خواهد داشت^۱.

نقش خانواده در تربیت

یکی از عناصر اساسی شکل گیری هر جامعه خانواده است اگر چه تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال های اخیر تأثیرات بی شماری بر عملکرد خانواده ایجاد کرده و کار به جایی رسیده که برخی کشور های پیشرفته صنعتی برداشت های جدیدی از مفهوم خانواده پیدا کرده و رسانه های جمعی به این برداشت ها دامن زده اند اما اکثر مردم بر ضرورت وجود خانواده طبیعی به عنوان نهاد اساسی زندگی اجتماعی انسان تأکید می کنند. خانواده از عوامل تأثرگذار محیطی در تربیت فرزندان است، روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و سازگاری فرزندان با شرایط مختلف اجتماعی موثر است^۲. اهمیت دوران کودکی در بنیانگذاری شخصیت انسان و همراهی و حضور کودک در خانواده، نقش تربیتی خانواده را در میان دیگر نهاد های تربیتی به نقشی بی بدیل تبدیل کرده است. تا پیش از بلوغ در مجموع بیشتر این بخش عمر فرزندان در کانون خانواده و تحت نظارت آنان سپری میشود، روانشناسان و جامعه شناسان بر این اعتقاد هستند که ریشه بسیاری از انحراف های شخصیتی و اجتماعی فرزندان را باید در روش های تربیتی والدین با فرزندان جستجو کرد.

اهمیت روش های تربیتی والدین در حدی است که می تواند رشد روانی فرزندان را در زمینه های مختلف تضمین نماید و یا بالعکس زمینه ساز انواع اختلالات روانی و ناهنجاری های فرزندان و معضلات اجتماعی شود. یکی از عوامل ایجاد مشکلات عدم آگاهی والدین نسبت به روش های مطلوب تربیتی و ایجاد ارتباط با فرزندان است، این عدم آگاهی به شکل اختلال در روش های تربیتی والدین به صورت کنترل های افراطی محبت یا به تعبیر دیگر عدم محبت متجلی میشود^۳، از این رو مطالعه عملکرد خانواده یکی از موضوعات مهم و حساس است که با زندگی تمام افراد و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگ دارد و هرگز نمی توان آن را در ردیف قضایای دست دوم قرار داد که در پیشرفت جامعه نقش نداشته باشد چرا که خانواده به عنوان هسته نخستین تشکیل ساختمان جامعه به شمار می رود.

^۱ محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۶

^۲ مریم وفایی، مریم روشن، بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال عاطفی - رفتاری نوجوانان، ص ۳.

^۳ معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

خانواده به عنوان یک کانون و مهمترین کانون تربیتی مرکب از مولفه هایی است که یکی از این مولفه ها روش های تربیتی والدین یا به عبارتی روش های مطلوب و نامطلوب والدین در برخورد با فرزندان است که نقش مهم و قابل توجهی بر رشد روانی و یا بالعکس ایجاد اختلال روانی ایفا میکند^۱، به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیاز های اساسی جسمی و روانی مانند نیاز های عاطفی ارضاء نشود به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست می زند^۲.

خانواده نخستین مدرسه فضیلت است و با وجود مسموم شدن روز افزون فرهنگ ها در جوامع گوناگون والدین هنوز هم افراد قدرتمندی هستند که می توانند در رشد فرزندان تاثیرات عمیقی بگذارند^۳، ابعاد گوناگون اختلال های عاطفی- رفتاری کودکان سبب شده که دیدگاه ها و پژوهش های علمی زیادی در این باره متمرکز گردند، کودکانی که در معرض خطر مشکلات رفتاری، سازگاری و عاطفی هستند درصد زیادی از جوانان امروز را تشکیل می دهند^۴. از سال ۱۳۷۴ مطالعه در مورد اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان و جوانان بیشتر شده و مطالعات نشان داده که مداخلات خانوادگی در این زمینه موثر تر از مداخلات و درمان های فردی است که این امر دال بر شکل گیری هسته این مشکلات در خانواده می باشد. عوامل خطرزای خانوادگی آسیب پذیری کودک را در برابر اختلال های عاطفی- رفتاری ایجاد می کند و آسیب پذیری به نوبه خود استعداد کودک را در بروز پیامد های منفی تحت شرایط پرخطر را توصیف می کند^۵. از این رو اسلام که یک دین اجتماعی است و به تمام جوانب زندگی بشر پرداخته در این زمینه نیز پیش قدم بوده، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) در تعالیمی که برای نجات بشریت داشته اند به این جنبه مهم و حیاتی که تربیت فرزند و محبت به فرزند می باشد پرداخته اند.

از نظر اسلام خانواده اولین و مهم ترین واحد اجتماعی است زیرا تشکیل خانواده سبب ادامه نسل، برقراری آرامش و تأمین نیاز های بشری می باشد، تعالی خانواده، تکامل انسان موحد را به همراه

^۱ علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان، ص ۱۲۰

^۲ فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

^۳ معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

^۴ مریم وفایی، مریم روشن. بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی- رفتاری نوجوانان، ص ۳.

^۵ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۴.

دارد، از این رو است که در سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) آمده: بنایی در اسلام پایه گذاری نشده که نزد خدا محبوب تر از ازدواج باشد.^۱

محبت

یکی از موارد مورد توجه در تربیت فرزند توجه به نیاز های عاطفی فرزندان است، بی شک یکی از اساسی ترین نیاز های انسان پس از نیاز های زیستی نیاز به محبت است به گونه ای که اگر این نیاز برآورده شود کودک تا حد بسیاری در برابر نیاز های زیستی مقاومت کرده آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد، از این رو اسلام که دین اجتماعی است و به تمامی جوانب زندگی بشر پرداخته در این زمینه نیز به اهمیت و جایگاه محبت به فرزندان پرداخته است.

به نظر بسیاری از دانشمندان کمبود محبت منشأ بسیاری از عقده های روانی می شود به همین سبب در مکتب تربیتی اسلام به عامل تربیتی محبت تأکید بسیار زیادی شده است، در برخی روایات آنقدر روی اهمیت آن تأکید شده که محبت را مساوی دین معرفی کرده اند^۲، سیره عملی پیامبر و معصومین (علیهم السلام)^۳ نشان می دهد که توجه ویژه و مهرورزی و محبت به کودکان داشته اند و این توجه نه تنها به کودکان خود، اصحاب و مسلمانان بوده حتی به کودکان غیر مسلمان نیز محبت داشته اند.

حضرت علی (علیه السلام) میفرماید: پیامبر (صلی الله علیه و اله) مرا در کودکی بر دامان خود می نشاند، به سینه خود می چسباند و در بستر خویش در کنار خود می خواباند، بدنش را به بدن من تماس میداد و بوی خویش را به مشام من می رساند.^۴

سیره تمامی ائمه در برخورد با فرزندان حاکی از اهمیت محبت به فرزندان می باشد. این گونه رفتار پیامبر و اهل بیت ناظر به اصل تربیتی محبت ورزی به کودک به طور عام است. مالک می گوید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) به دیدار انصار می رفت و بر کودکان آن ها سلام میکرد و دست بر سر آن ها می کشید و برای آن ها دعا می کرد.^۴

بنابر این محبت پیامبر تنها اختصاص به فرزندان معصوم خود نداشته تا بگوییم این محبت برای هدایت امت و بیان شأن و منزلت آن ها بوده و حاکی از این مطلب است که انسان موجودی اجتماعی است و نمی تواند به صورت فردی و بدون توجه به نیاز های زیستی و روانی مثل نیاز به

^۱ مجلسی، بحار الانوار، جلد ۴۳، ص ۵.

^۲ همان.

^۳ معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

^۴ سیدعلی حسینی زاده، تربیت فرزند.

محبت به حیات خود ادامه دهد^۱ از سوی دیگر محبت کافی به کودک موجب رشد کافی جسمی، روحی و روانی او شده و قابلیت های بسیاری را در کودک ایجاد خواهد کرد. متخصصان روانشناسی بر محبت کردن به فرزندان تأکید میکنند و محبت را از مولفه های اصلی و ضروری برای تربیت موفقیت آمیز و صحیح می دانند. اشتاینرگ میگوید هر قدر به فرزندان محبت کنید زیاد نیست. او در تبیین این اصل بر محبت خالصانه تأکید می کند و معتقد است لوس شدن کودک نتیجه ابراز محبت زیاد نیست بلکه ناشی از دادن چیز های دیگر به جای محبت به اوست مثل چشم پوشی از خطا، دادن چیز های جورواجور و مورد توقع کودک^۲.

فقدان محبت و حتی کمبود محبت علاوه بر اینکه مانع رشد و پیشرفت انسان می شود عوارض زیانبار روحی، روانی و جسمی را به دنبال دارد. محبت را باید از دل به زبان و عمل آورد تا کودک آن را با تمام وجود لمس کند. یکی از راه های عملی محبت تکریم فرزندان و شخصیت دادن به آنان است.

رعایت اعتدال در محبت

رفتار ها و عملکرد های تربیتی در صورتی به ما کمک می رساند که تابع اعتدال باشد. تربیت خردمندانه تربیتی است که مبتنی بر حفظ اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در همه امور باشد^۳، چنانچه حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: نادان را نبینید جز اینکه کاری کند که آن کار را از اندازه فراتر کشانده و یا بدان جا که باید نرساند^۴.

در تربیت اندازه شناختن امری دشوار است و جز با خرد ورزی در تربیت نمی توان اندازه ها را دریافت. بهترین نظام تربیتی نظامی است معتدل که در آن نه امید بیش از اندازه و نه بیم بیش از اندازه حاکم باشد^۵. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: بهترین کار ها اعتدال امید و بیم است^۶. در اینکه اعتدال راهی ستوده است جای هیچ شک و شبهه ای نیست، سیرت و سنت ائمه اطهار (علیهم السلام) بر اعتدال بوده چنانکه حضرت علی (علیه السلام) درباره این راه و رسم می فرمایند: راه و روش ما

^۱ سیدحسین اسحاقی، سلوک علوی.

^۲ نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

^۳ سیدحسین اسحاقی، سلوک علوی.

^۴ غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۵۵.

^۵ غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۵۴.

^۶ سیدحسین اسحاقی، سلوک علوی.

میانه روی است.^۱ استفاده از محبت موثرترین و کارآمدترین شیوه های تربیتی است. محبت جاذبه می آفریند و انگیزه خلق می کند، انسان های پر تلاطم و مضطرب را آرامش می بخشد و فرزندان ناهنجار و ناسازگار را رام می کند، محبت شیوه ای است که به مرحله ای خاص از تربیت اختصاص ندارد اما کودکان و نونهالان بیشتر به آن نیازمندند. اگر انسان بویژه در کودکی از محبت سیراب نشود در بزرگسالی معمولاً با ناهنجاری هایی مواجه می شود.^۲ گروهی از روانشناسان مانند بامریند برک و جان بزرگی فرزند پروری مقتدرانه را بهترین سبک فرزند پروری می دانند، فرزندپروری مسئولانه و مقتدرانه مناسب ترین روش برای تربیت فرزندان است، این فرزندپروری در دو بعد کنترل و محبت متعادل و به دور از افراط و تفریط است.^۳

تکریم و شخصیت کودکان

علاوه بر نیاز های روانی که پایه ارتباط و رفتار اجتماعی ما قرار می گیرند عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر رفتار اجتماعی ما اثر می گذارد و از رفتار اجتماعی دیگران نیز تأثیر می پذیرد. یکی از مهم ترین این عوامل بویژه در دوره کودکی و ابتدایی احساس کفایت و عزت نفس است.^۴ هر کدام از ما تصویری از خود دارد، به این تصور خودپنداره یا مفهوم خود گفته می شود. علاوه بر خودپنداره ما مفهوم دیگری را نیز در ذهن داریم و آن عبارت است از خود ایده آل یا آرمانی و آن تصویری از خودمان است که می خواهیم باشیم. وجود خود ایده آل نشانگر آن است که ما پیوسته نوعی نارضایتی از وضعیت موجود داریم و مایلیم آن را تغییر داده و به وضعیت بهتری برسیم، فرد فاقد کفایت احساس حقارت می کند و خود را کوچک شمرده و فاقد توانایی غلبه بر مشکلات می داند. عزت نفس و احساس کرامت خودپنداره مثبت است و به شکلی بارز از نوع واکنش محیط نسبت به انسان ناشی می شود. در محیط خانوادگی که به تربیت و محبت کودک اهمیت داده می شود به کودکان به عنوان یک موجود باارزش و الهی می نگرند و او را دارای توانایی هایی بی حد و حصر می شناسند و توجه دارند که خداوند متعال برای وجود این کودک تا چه حد ارزش قائل است و با او به گونه ای رفتار می کنند که احساس کند فردی عزیز و کریم است ولی محیطی که از کودک چنین تصویری را ندارند او را لایق بدترین تنبیه ها و روش های تادیبی می دانند و به او تصویری منفی از

^۱ فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

^۲ استادان طرح جامعه آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی.

^۳ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۴ همان.

خودش ارائه می کنند و او را از داشتن عزت نفس و کرامت دور می دارند. عزت نفس را نباید با خود بزرگ بینی یکی دانست، کفایت و کرامت نفس موجب می شود که انسان از جهات بسیاری متعادل باشد و براساس ارزش ها و اصول انسانی عمل کند.^۱

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: آنکه دارای کرامت نفس است امیالش برای او پست خواهند شد ولی کسی که شخصیتش برای وی کم ارزش است از شر او در امان میباش.^۲

توصیه های القای کرامت نفس

هرگز شخصیت کودک را خرد نشمرید، کودک به ظاهر خرد امروز، احتمال دارد بزرگ قوم خویش در فردا باشد لذا باید با احترام و محبت با کودکانمان برخورد کنیم. با عمل نادرست کودک در حد همان عمل برخورد کنید مبدا که شخصیت و انسانیت کودک را بخاطر یک عمل نادرست قربانی کنید. کودک را متوجه توانایی هایش کنیم و به او بگوییم که انسان هر قدر ناتوان و علیل باشد باز هم می تواند به اوج افتخارات دسترسی پیدا کند، چه بسیار افراد معلولی که در رشته های مختلف ورزشی و علمی قهرمان شده اند. فرزندانمان را پیوسته بر آنچه دارند متوجه کنیم نه آنچه ندارند.

کودک را تنبیه کنیم نه تحقیر. عمل نادرست او را ارزیابی کنیم و نمره ای که به او می دهیم هرگز به شخصیت و انسانیت او نباشد. هرگز کودک را با الفاظ و توصیفات پست و نادرست نخوانیم و پیوسته طوری رفتار کنیم که نشان دهیم او در چشمان ما بزرگ است و در قلب ما به عنوان یکی از ارزشمندترین موجودات جا دارد.^۳

اهانت، تحقیر، به کار بردن الفاظ طعن آلود و سرکوفت زدن از عواملی هستند که باعث از میان رفتن احساس شخصیت در فرزندان می شود. برای اصلاح معایب فرزندان از روش های غیرمستقیم استفاده کنیم و اگر لازم شود که خطایی را بخواهیم به طور مستقیم یادآوری و بیان کنیم بهتر است این تذکر به صورت علنی و آشکار در حضور دیگران نباشد.

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ نهج البلاغه حکمت ۴۴۹

^۳ همان.

رشد عاطفی

رشد عاطفی پیچیدگی خاصی دارد و در سایر جنبه های رشد فرد مانند رشد بدنی، رشد عقلانی و اجتماعی تأثیر فراوان دارد. در جریان رشد عاطفی به تدریج عواطف مختلف ظاهر می گرد و شرایط و اوضاع و احوال محیط نیز در پیدایش عواطف مختلف موثر است.

رشد عاطفی زمانی صورت می گیرد که فرد در معرض عواطف و احساسات قرار گیرد، اگر محبت ببیند این رشد عاطفی صورت گرفته و سبب می شود که هیجانات خود را بتواند به خوبی بروز دهد و به رفتار های دیگران پاسخ درست و مناسبی بدهد.

روانشناسان بر این باورند کودکی که از لحاظ عاطفی رشد نیافته توانایی تحمل رنج و عذاب یا به تعویق انداختن ارضای مستقیم تمایلات خود را ندارد و این محرومیت عاطفی از مهمترین علل بزهکاری است. پاسخگو نبودن به نیاز ها، نشان دادن بی حوصلگی در ناراحتی نگه داشتن کودکان و نوجوانان تأثیر های مخربی در آنان به جای می گذارد. هر عاملی که در برابر رشد سالم جسمانی و عاطفی کودک قرار گیرد می تواند موجب اختلالات عاطفی شود که همواره ریشه جرایم است.

جنبه عاطفی افراد تحت تأثیر عوامل ارثی و محیطی نیز قرار دارد بر همین اصل حالات عاطفی در افراد به صورت های مختلف ظاهر می گردد. رشد عاطفی وقتی نمایان می شود که بچه بتواند احساسات و عواطف خود را تحت نظر قرار دهد و آن ها را به نحوی که مورد قبول جامعه است ابرز دارد^۱.

عوارض ناشی از کمبود محبت

محبت حکم مغناطیس را دارد که افراد را به سوی خود جلب و جذب می کند و آن کس که از محبت محروم است همانند کسی است که به جایی وصل نیست و این خود منشأ بسیاری از شقاوت ها، فجایع، بی بند و باری ها و خصومت هاست.

بررسی ها نشان داده کودکی که در خردسالی از محبت اعضای خانواده برخوردار باشد و با اعضاء انس داشته باشد به احتمال قریب به یقین فردی مهربان خواهد شد و بالعکس اغلب افرادی که به دور از محیط محبت و انس رشد کرده اند و نتوانستند نسبت به دیگران محبت کنند در بزرگسالی دچار خشونت و گمراهی خواهند شد.^۲

ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ همان.

عوارض زیستی جسمانی

بررسی‌های روانپزشکان نشان داده کودگانی که از نظر محبت دچار کمبود و نارسایی هستند به عوارضی مبتلا می‌شوند که از جمله آنها بی‌اشتهایی است و این امر آن چنان است که گویی اصلا میل به غذا ندارند بی‌خوابی عارضه دیگری برای این کودکان است آنچنان دچار اضطراب و دلواپسی هستند نمی‌توانند به خواب روند. فریاد در خواب در این کودکان زیاد دیده می‌شود. شب‌اداری جلوه دیگری از این نابسامانی برای آنهاست. این کودکان افرادی هستند بی‌حرکت و بی‌حالت فعالیت آنان در حال توقف و رکود است در گوشه‌ای نشسته یا کز می‌کنند و دوست ندارند به جست و خیز پرداخته و به گفتگو و خندیدن بپردازند. چهره‌شان براق و شفاف نیست و مشکلاتی مانند تنفس نامنظم، ناراحتیهای معده و روده‌ای که منجر به اسهال و استفراغ می‌شود در آنان دیده می‌شود.^۱

جنبه روانی

اختلالات روانی و حتی ابتلائات روانی آنان را رنج می‌دهد. احساس بی‌ارزشی و خودکم‌بینی کرده و به خود و دیگران بی‌اعتماد خواهند شد دچار افسردگی و تزلزل روانی هستند سیری قهقرایی در پیش گرفته و دوست دارند به دوران کودکی خود برگردند حتی اگر پنج ساله هستند می‌خواهند به دوران ۲-۳ سالگی خود برگشت کنند. در سنین بعدی حتی در جوانی ممکن است میل به خودکشی در آنان تقویت شود و به بهانه‌ای پوچ بدان امر اقدام کنند در برخی از آنان حالت بی‌تفاوتی ناشی از دوران رنجوری (پسیکوپاتی) به چشم می‌خورد، طوری که کمترین احساسی در رابطه با آنچه برایشان پدید می‌آید ندارند، در نزد آنان شادی و غم، خشم و محبت یکسان میشود وضعیت شبیه به وضعیت معتادان پیدا می‌کنند که به نظر، غیر قابل درمان می‌رسند برخی از روانپزشکان بر این عقیده‌اند که کمبود محبت در دوران کودکی سبب عقده روانی در آنها شده و در دوران بلوغ به صورتهای مختلف در آنان متجلی می‌گردد. ابتلا به بیماری‌های روانی مانند اسکیزوفرنی و یا هیستری نموداری از این حالت است.^۲

عدم محبت به فرزندان فضای تربیتی خانواده را مسموم و امکان تنفس آزاد فرزند را از او سلب می‌کند. فرزند اعتماد به نفس خود را از دست داده و به دره ناتوانی، بی‌شخصیتی، ضعف اراده سقوط کرده و درمانده میشود.^۳

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ همان

^۳ همان

جنبه اخلاق و رفتار

امام صادق علیه السلام به تاثیر والدین در بهداشت روانی فرزندان تاکید نموده و مصونیت از ابتلا به ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی آنان را به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته اند

کودکان گرفتار کمبود محبت، به اصول اخلاقی پایبندی ندارند و حتی در صورت القاء هم نمی‌توانند رفتار و اخلاق مناسب بروز دهند. میل به ضرب و جرح، آسیب رساندن حرکت علیه خود و دیگران، بدگمانی نسبت به دیگران در آنها زیاد است. اصل ولگردی را انتخاب کرده، احساسات خانوادگی و دل‌رحمی نسبت به اعضای خانواده ندارند. ارتکاب جرم و جنایت را در خود نقصی به حساب می‌آورند و از اینکه آرامش جامعه را به هم می‌زنند نارضایتی ندارند. از زورگویی سرفت و انحراف سر درآورده اند زیرا کمبود محبت، یکی از عوامل بسیار قوی است که اطفال و نوجوانان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد.^۱

روانشناسان و متخصصان به این نتیجه رسیده‌اند که بعضی از کودکان به علت اینکه در محیط خانواده مورد بی‌مهری و بی‌اعتنائی پدر و مادر خود قرار گرفته‌اند، در واکنش به این کمبود محبت شروع به سرقت یا آزار دیگران کرده‌اند.^۲

محرومیت از محبت زمینه را برای بدبینی‌ها، بی‌اعتنایی‌ها و خصومت‌ها و زمانی هم طغیان و عصیان در برابر دیگری فراهم می‌سازد و بددلی و بدبینی را فراهم می‌آورد و نمی‌تواند رابطه پسندیده‌ای با دیگران داشته باشد.^۳

کودکی که از محبت گرم پدر و مادر محروم بوده و یا نیاز او درست اشباع نشده، در نفس خودش احساس محرومیت می‌کند. نسبت به پدر و مادر و دیگران که او را دوست ندارند، عقده نفسانی پیدا می‌کند و چنین انسانی در معرض هرگونه انحراف و فساد خواهد بود. اکثر تندخویی‌ها، خشونت‌ها، لجبازی‌ها، زورگویی، بدبینی، اعتیاد، افسردگی، گوشه‌گیری، ناامیدی و ناسازگاری‌های افراد، معلول عقده حقارتی است که در اثر محرومیت از محبت در آنها به وجود آمده است.

در اثر عقده حقارت ممکن است دست به دزدی یا قتل نفس بزند تا از پدر و مادر و مردمی که او را دوست ندارند انتقام بگیرد و با خودکشی از وحشت محبوب نبودن نجات پیدا کند.

دزدی، جنایت و طغیان‌هایی که به وسیله کودکان و نوجوانان و جوانان به وجود می‌آید غالباً معلول همین عقده روانی است. بسیاری از کودکان و نوجوانانی که از منزل و شهر و دیار خود فرار کرده‌اند،

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ هوشنگ شامیانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، ص ۱۹۶

^۳ علی قائمی، خانواده و نیازمندی‌های کودکان

انگیزه فرار خود را کم مهری پدر و مادر بیان کرده‌اند. در اثر همین کمبود محبت و احساس بی پناهی است که دختران جوان در مقابل چند جمله محبت آمیز یک جوان فریبکار خود را می‌بازند و تسلیم هوس بازی های او میگردند و آینده خود را تباه می‌سازند. اظهار محبت را می‌توان به عنوان یکی از عوامل مهم جلوگیری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی معرفی نمود.^۱

محرومیت از محبت سبب می‌شود که روابط فی مابین والدین و فرزندان سرد شود، دیگر به سخنان آنان توجهی نکند، حرف آنها را به حساب نیاورد، در درون وجودش جایی برای والدین و دیگران باز ننماید.^۲

جنبه عاطفی

کمبود محبت بر عاطفه کودکان اثر می‌گذارد. لمبروزو در کتاب مرد جنایتکار می‌نویسد: اولین شور و احساسی که از این افراد محو می‌شود احساس رحم و عطوفت در برابر رنج دیگران است، مسئله ترس، وسواس و عقده حقارت بلایی دیگر برای این گروه است. پیدایش حالت بی تفاوتی نسبت به تمام امور و سستی پیوند عاطفی با دیگران همراه است با تکان دادن یکنواخت بدن و در مواردی آویزان کردن سر. این افراد گاهی حساسیت عاطفی خود را از دست می‌دهند و رفتاری توأم با خشونت و بی‌رحمی شدید در آنان به وجود می‌آید تا حدی که هم خود را آزار داده و هم دیگران را آزار می‌دهند. افرادی که در کودکی مزه محبت را نچشیده‌اند در بزرگسالی نمی‌توانند افرادی با عاطفه و گرم و صمیمی باشند.^۳

جنبه اجتماعی

کودکی که در خانه محبت نمی‌بیند یا دچار کمبود عاطفی است فردی ناپایدار شده و نمی‌تواند مسئولیت پذیر باشد، او حاضر نیست تعهدی را در جامعه بپذیرد بنابراین از جامعه، همه چیز را دریافت کرده ولی حاضر نیست چیزی به جامعه بدهد، نسبت به هم‌نوعان خود سرد بوده و از غم و ناراحتی دیگران نه تنها ناراحت نمی‌شود حتی در مواردی خوشحال هم شده و این نوع رفتارش زمینه را برای رنج و شکنجه دیگران فراهم می‌کند، این افراد امیدوار نیستند که کسی آن‌ها را

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی

^۲ علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان

^۳ معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

دوست داشته باشند و نسبت به بزرگسالان که به آن‌ها محبت نکرده اند کینه ای در دل دارند. احساسات نوع دوستانه مانند عشق، ترحم و احترام در آنان بسیار ضعیف است.^۱ از نظر بامریند کمبود محبت موجب می شود فرزندان خام پرورش یابند که غالباً از لحاظ اجتماعی ناشایست و فاقد خویشتن داری هستند، این کمبود محبت زمینه ساز پیدایش نارسایی های تربیتی در بزرگسالی می شود.^۲

جنبه پیشرفت تحصیلی

چنین افرادی در امر تحصیل دچار رکود و عقب ماندگی هستند، پیشرفت قابل ملاحظه ای ندارند، تحقیقی نشان داده اغلب کسانی که در مدرسه، خواندن را دیر یاد می گیرند (به غیر از عقب مانده های ذهنی) از کسانی هستند که در خانه مورد محبت والدین قرار نگرفته اند، آن‌ها در زندگی آمیدی ندارند تا بخاطر آن درس بخوانند، احساس خوشبختی ندارند تا بدان خاطر حرکتی از خود بروز دهند، فکر و ذهن آن‌ها متوجه گرفتاری و بی محبتی است و همه مسائل و امور را از یاد می برند.^۳

بر اساس آماری حدود ۴۴ درصد مردودین مدارس آلمان کسانی بوده اند که از مهر و محبت پدری نصیبی نداشته اند، این گونه افراد حتی ممکن است علیه مقامات و صاحبان قدرت بایستند و مقاومت کنند.^۴ کمبود محبت در کودکان اثر منفی دارد و این اثر به هنگامی شدیدتر است که این نارسایی ها پردوام تر باشد که در چنین صورتی ادامه اختلال و قطعی شدن آن حتمی تر است. آسیب روحی در دوران کودکی کل شخصیت فرزند را به طور عمیق و بنیادین تحت تأثیر قرار داده و کودک شادی و نشاط خود را از دست می دهد و زندگی او دچار مخاطره خواهد شد.^۵

بزهکاری

بزهکاری اطفال و نوجوانان امروزه یکی از مسائل گریبانگیر جوامع بشری می باشد. بزهکاری تن‌ها منحصر به یک عامل خاص نیست بلکه مجموعه ای از عوامل دست به دست هم می دهند تا یک

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت

^۳ هوشنگ شامیبانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان.

^۴ علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان.

^۵ اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۹۴.

طفل یا نوجوان به رفتار هایی دست بزند هرچند به ظاهر و به واقع جرم نیستند اما با توجه به این رفتار ها در دوره تکامل رشد وی مرتکب جرایمی خواهد شد و این رفتار ها زمینه ساز ارتکاب انواع جرایم خواهند بود. خانواده است که می تواند تمام ویژگی های مثبت و سازنده یا منفی و مخرب در کودکان به وجود آورد و تمام حالات و رفتار های دوران بلوغ چه اجتماعی و چه ضد اجتماعی را ن هادینه کند، چنانچه کودک از خانواده محبت ببیند و به محبتی که از بزرگتر ها دیده اطمینان داشته باشد در این صورت به محیط پیرامونش نیز اطمینان خواهد داشت ولی در غیر این حالت همه چیز برای او خطرناک خواهد بود و سبب اضطراب او می شود. اگر فرزندان از محبت والدین سیراب نشوند و احساس کمبود محبت کنند و آن ها را تکیه گاهی امن و مورد اطمینان برای خود به شمار نیاورند ممکن است جذب کسانی شوند که نسبت به آن ها اظهار محبت و علاقه کاذب کرده و این آغازگر انحرافات بعدی آنان است، این در حالی است که اگر به نیاز های عاطفی افراد در محیط خانواده توجه شده و پاسخ درست داده شود خویشتن داری می کنند و از فریب ها مصون خواهند ماند^۱.

به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیاز های جسمی و روانی مانند نیاز های عاطفی ارضاء نشود احتمال دارد که در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست بزند^۲.

کودکانی که برای مدتی طولانی مورد محبت و نوازش والدین قرار نگیرند دچار یأس و ناامیدی از زندگی شده و خود را قبول ندارند و در تمام عمر دیگر به درون خویش نگاه نخواهند کرد و هرآنچه برایشان اتفاق چون از سرچشمه محبت والدین سیراب نمی شوند به عنوان انتقام و بخاطر جلب توجه والدین خود به ارتکاب چنین اعمالی دست می زنند تا جنجال برانگیخته و مورد توجه واقع شوند^۳.

مهم ترین عامل موثر در بزهکاری روش تربیتی نادرست و اختلال در شبکه خانواده است. تقریباً تمام پژوهش ها نشان داده اند والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند بیشتر احتمال دارد فرزندان بزهکار داشته باشند حتی والدینی که در کودکی خود دچار مشکلات عاطفی شده اند بیشتر احتمال دارد که کودکان بزهکار داشته باشند زیرا محرومیت های عاطفی علت بروز انواع انحرافات میگردد. روانشناسان گاهی بزهکاری را نتیجه ناکامی و تعارضات شدیدی می دانند که

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان.

^۳ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

کودک در حال رشد به شدت از آن‌ها رنج می‌برد. آن‌ها اهمیت زیادی به روابط بین مادر و فرزند داده و مادر را منبع محبت به کودک مطرح کرده‌اند.

بزهکاری با صفات روانشناختی مختلفی همراه بوده که یکی از این صفات عزت نفس پایین است. عامل کاهش عزت نفس کمبود محبت می‌باشد و عامل بسیاری از انحرافات کمبود عزت نفس است زیرا کسی که عزت نفس کافی ندارد و برای خودش ارزش و شخصیتی قائل نمی‌شود به هر گونه انحراف و اشتباهی دست می‌زند. عدم وجود محبت، ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده از جمله عواملی هستند که در وقوع بزه توسط نوجوانان و اطفال موثر هستند^۱.

پاره‌ای از تحقیقات آسیب‌شناسان اجتماعی نشان داده است که ریشه بسیاری از انحرافات و لغزش‌ها حتی انواع لغزش‌های جنسی را باید در مسئله کمبود محبت جستجو کرد تا حدی که طبق آمار ۹۱ درصد مجرمین براساس یک بررسی که بر روی آن‌ها انجام گرفته علت جرم خود را نارسایی در محبت عنوان کرده‌اند^۲.

در صورتی که فرد از سوی والدین خود محبت کافی دریافت نکند ممکن است برای جبران آن درصدد انتقام جویی برآمده و اعمال خطرناکی برخلاف قانون و هنجارهای اجتماعی مرتکب شود.

نگاه پیشگیرانه

در اسلام پیشگیری همیشه مقدم بر درمان بوده است، روش‌های درمانی بسیار زیادی برای کاهش بزهکاری مورد استفاده قرار گرفته و اعتقاد عمومی بر این است که گسترش برنامه‌های اجتماعی نظیر بالا بردن سطح آموزش خانواده‌ها برنامه‌های تربیت صحیح فرزند و مطالعه کتاب از مناسب‌ترین راه‌ها برای پیشگیری از ارتکاب بزهکاری اطفال و نوجوانان است.

برای ایجاد محیطی آرام و سالم رعایت نکاتی ضروری است، برای مثال برقراری دوستی و تفاهم بین والدین. برای انجام این امر ابتدا باید روابط بین پدر و مادر را در خانواده‌ها اصلاح کرد، در صورت اصلاح روابط و ایجاد عشق و محبت بی‌زوجین کانون خانواده تبدیل به کانون گرم همراه با عشق و محبت شده و فرزندان هم که یکی از عضوهای چنین خانواده‌های سالمی هستند از این کانون بهره‌کافی می‌برند.

یکی دیگر از این راه‌ها احترام متقابل بین زوجین، شناخت زن در خانواده و تشکیل زندگی مبتنی بر عشق، انس، الفت و تعاون و براساس تفکر اسلامی است که آموزش‌های قبل از تشکیل خانواده و

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی

^۲ فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

تربیت براساس آن را الزامی می سازد، لذا کار فرهنگی بسیار وسیعی ضروری است در این رابطه انجام گیرد و بخشی از تحقیقات اجتماعی باید معطوف به همین مسئله باشد تا بی اطلاعی به چنین امر مهمی مبدل به آگاهی شده و خانواده هایی سالم شکل بگیرد.^۱

مسئولان باید بخصوص به صورت روزمره در جریان وضعیت خانواده ها و خطر هایی که موجب در عم ریختگی توازن آن به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی می شود قرار گیرند و به موقع و با ابزار فرهنگی مسیر رشد طبیعی خانواده ها را هموار سازند، با توجه به این اصل یقینا نا به سامانی ها و معضلاتی که دامنگیر جوامع متجدد شده به ما سرایت نخواهد کرد و کودکان که دارای فطرتی پاک هستند در چنین خانواده هایی رشد خواهند کرد.^۲

خانواده جایگاه شکل گیری شخصیت افراد و درونی شدن مفاهیم اخلاقی است، خانواده ای که به معیار های صحیح همسر گزینی تشکیل شده باشد و زن و شوهر خود به ارزش های اخلاقی و دینی پایبند باشند با درونی شدن آن ارزش ها در خانواده شرایطی فراهم می شود که افراد نیازی به تبهکاری ندارند و به صورت خودجوش بر گرایش های فطری همچون فضیلت جویی، حقیقت خواهی و کمال طلبی پای می فشارند.^۳

یکی دیگر از نکات که رعایتش بسیار ضروری است بررسی شیوه های صحیح فرزند پروری و انتخاب روش صحیح و کاربردی کردن آن در جامعه می باشد که در این زمینه نظر گروهی از روانشناسان بر فرزندپروری مسئولانه که مطابق با همان فرزند پروری اسلامی است قرار گرفته و بارزترین مسئله در فرزندپروری اسلامی عشق و علاقه به فرزند و محبت و مهربانی نسبت به او و حفظ شخصیت و کرامت فرزندان می باشد.^۴

جوانان و نوجوانان دوست دارند شخصیتشان مورد توجه و احترام قرار گیرد، به همین سبب به صورت های مختلف به ابراز شخصیت می پردازند. والدین باید به این نکات توجه کرده و با کودکان و نوجوانان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کنند و از به کار بردن صفاتی که بر بی ارزشی حمل می شود و باعث القای بی ارزشی بر آنان می شود پرهیز کنند، از تنبیه خصوصا برای نوجوانان پرهیز کرده و از پاداش های مناسب در مقابل رفتار های مطلوب استفاده کنند.

^۱ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۲ مریم وفاپی، مریم روشن، بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی- رفتاری نوجوانان، ص ۵.

^۳ ملک فرهودفر، علی محمدی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی.

^۴ علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان.

یک راه مهم پیشگیری از آسیب های عدم محبت، ابراز محبت می باشد که در اسلام و روایات متعدد بر آن تأکید شده و از عدم محبت به کودکان نهی فراوانی صورت گرفته و این امر مورد نکوهش واقع شده. در روایتی آمده گروهی از عرب های بادیه نشین خدمت پیامبر خدا رسیدند و به ایشان عرض کردند: آیا شما کودکانتان را می بوسید؟ پیامبر فرمودند: آری! آنگاه گفتند: ولی ما به خدا سوگند هرگز آن ها را نمی بوسیم. پیامبر خدا فرمودند: من چه کنم اگر خداوند مهر را از دل شما برکنده است.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و اله) رسید و گفت: هرگز کودکی را نبوسیده ام. وقتی آن مرد بازگشت پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمود: این شخص کسی است که در نظر من از اهل آتش است.^۲

این روایات و روایاتی که اشاره به محبت به کودکان دارد این مطلب را برای ما روشن می سازد که دین مبین اسلام به محبت به فرزندان توصیه و سفارش فراروان کرده و محبت را عامل رشد، هدایت و سعادت کودک شمرده است.

^۱ صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۰۸ ح ۶۴

^۲ الکافی ج ۶ ص ۵۰ ح ۷

نتیجه

محبت به فرزند از طرق مختلف مانند مدرسه، معلمین، همسالان صورت می‌گیرد که اگر این محبت درست و بر مبنای اعتدال باشد می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های جسمی، روانی، تحصیلی و اجتماعی پیشگیری کند و در مقابل، عدم محبت و یا محبت ناصحیح منجر به مشکلات فردی و اجتماعی فرزندان در آینده خواهد شد، در اسلام و روانشناسی بر محبت به فرزندان بسیار تأکید شده و محبت خالصانه عامل تربیت صحیح فرزندان مطرح شده است. خانواده‌ها از مهم‌ترین و اصلی‌ترین کانون‌های ابراز محبت به فرزندان هستند و در صورتی که با معیارهای صحیح و اسلامی همسرگزینی تشکیل شده باشند و روابط محبت‌آمیز و سرشار از احترام بینشان برقرار باشد در پیشگیری از آثار سوء عدم محبت به فرزندان موثر هستند زیرا در صورت تشکیل چنین خانواده‌هایی اصول و نکات صحیح تربیتی رعایت می‌شود و فرزندان از آثار و عواقب سوء عدم محبت از طرف خانواده‌ها و در به دام افتادن محبت‌های دروغین در امان خواهند ماند و به طبع آن فسادها و جرایم و بزهکاری‌ها در جامعه کاهش یافته و سطح امنیت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

منابع

- اسحاقی سید حسین- ۱۳۸۷- سلوک علوی- قم- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اعرافی علیرضا- ۱۳۹۵- تربیت فرزند با رویکرد فقهی- قم- موسسه اشراق و عرفان.
- حاجی ده آبادی محمدعلی- ۱۳۹۱- حقوق تربیتی کودک در اسلام- قم- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی زاده سید علی- ۱۳۸۹- تربیت فرزند- قم- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طیسی محمدجواد- ۱۳۷۶- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(علیه السلام)- قم- دفتر تبلیغات اسلامی.
- قائمی علی- ۱۳۸۴- خانواده و نیازمندیهای کودکان- قم- امیری.
- میریان فردوس، پرچم اعظم- ۱۳۹۵- تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.
- معاونت پژوهشی گروه روانشناسی- ۱۳۸۶- تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، جلد ۲- قم- انتشارات موسسه امام خمینی.
- فروودفر ملک، محمدی علی- ۱۳۸۷- فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی- قم- یاس زهرا.
- وفایی مریم، روشن مریم- ۱۳۸۶- بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی- رفتاری نوجوانان.